



مجتبی قاسمی

کارگردان و تهیه‌کننده:

آزادگان سخت‌گیرترین مخاطبان ما بودند

بود؛ برخی حاضر نمی‌شدند و کار را ترک کردند. اما کسانی که ماندند، طی ۱۵ قسمت خوب درخشیدند.

در نهایت واکنش آزادگان به این مستند چه بود؟

از طریق موسسه پیام آزادگان، اغلب معتقد بودند فضای کار به واقعیت نزدیک است. برای من همین رضایت ارزشمندترین دستاورد بود.

بازخوردها نسبت به نتیجه کار چطور بود؟

نتیجه قابل قبول بود. کار در بنیاد شهید مورد تقدیر قرار گرفت و در شبکه افق پسنندیده شد. همین مستند در سال ۱۴۰۳ به‌عنوان بهترین برنامه بنیاد شهید معرفی شد. مهم‌تر از همه، رضایت آزادگان بود؛ آن‌ها کوچک‌ترین جزئیات را با خاطرات خود مقایسه می‌کنند و بازخورد مثبت دادند.

شما اشاره کردید که لوکیشن اصلی، یک پادگان مخروبه بود. شرایط آن فضا چگونه بود؟

واقعاً تصور خیلی‌ها از «پادگان» با چیزی که ما داشتیم فرق داشت. آنجا متروک بود، نه آب، نه برق، نه تاسیسات و حتی در و پنجره‌ای باقی نمانده بود. تیم ما همه چیز را از نو آماده کرد؛ سیم‌کشی موقت، تمیز کردن فضا و نصب چراغ‌ها. در طول فیلمبرداری هم مرتب با مشکلاتی مثل بولدوزرها یا ریزش شن و ماسه مواجه بودیم.

این شرایط دشوار چه تأثیری بر بخش صدا برداری گذاشت؟

صدا یکی از سخت‌ترین بخش‌ها بود. تقریباً ۹۰ درصد صداها در مرحله پس‌تولید دوباره‌سازی شد، چون صدابرداری سر صحنه غیرممکن بود. از نرم‌افزارهایی مثل ادوب اودیشن استفاده کردیم تا صداها پالایش شود.

در مورد وسایل و ابزار دوران اسارت چطور عمل کردید؟

این یکی از چالش‌های جدی بود. حاج علی آقا نوایی زاده همه وسایل را از نو ساخت؛ از دریل دستی تا دفترچه‌ها، لیوان‌ها و حتی پیت‌های روغن با نوشته‌های عربی، عروسک معروف «آقای مشتاق» نیز بازسازی شد تا همان نقش اطلاع‌رسان و سرگرمی اسرا را ایفا کند. این جزئیات ظریف به باورپذیری کار کمک زیادی کرد.



علی اکبر نوایی‌زاده

منشی صحنه، بازیگر و آزاده:

اگر ما نگوئیم، نسل آینده چیزی نمی‌فهمد

درباره بازسازی نمایش‌های اردوگاه برای ما بگویید. یکی از بخش‌های ویژه، اجرای تئاتری درباره امام رضا (ع) بود. ما باید فضایی شبیه حرم را بازسازی می‌کردیم؛ با پارچه‌های سبز و زرد و ظروف یک بار مصرف فلزی. در واقع من صریحاً بازسازی کردم/ آن هم با همان وسایل ابتدایی. این صحنه یکی از احساسی‌ترین بخش‌های کار شد. بادم هست وقتی صحنه آماده شد، خودم تحت تأثیر قرار گرفتم. این بازسازی دقیق باعث شد همان حس و حالی که آزادگان در دوران اسارت تجربه کرده بودند به مخاطب نیز منتقل شود.

فکر می‌کنید چرا این مستند نمایشی توانست تأثیرگذار باشد؟

به نظرم به این دلیل که ما واقعیت را جدی گرفتیم. هرچا آزادگان تجربه‌ای داشتند، همان را بازسازی کردیم. از کوچک‌ترین وسیله و عروسک گرفته تا بزرگ‌ترین صحنه‌ها مثل نمایش مذهبی. همین دقت و وسواس باعث شد مخاطب حس

در ابتدا بگویید چه شد که سراغ ساخت این مستند نمایشی رفتید و اساساً این موضوع چطور به شما پیشنهاد شد؟

من چند سال پیش مستندی به نام «تکریت ۵» درباره آزادگان ساخته بودم که بازتاب خوبی داشت. به همین دلیل مدیران بنیاد شهید و شبکه افق که آن کار را دیده بودند، برای این پروژه از من دعوت کردند. خودم هیچ اطلاعی از پروژه نداشتم، اما به دلیل علاقه شخصی و اعتماد موجود، پذیرفتم. ساختار مجموعه مستند-نمایشی است؛ بخش عمده‌ای از آن بازسازی خاطرات واقعی اسراست و حدود صد نفر در تولید آن فعالیت داشتند. ابتدا خاطرات تبدیل به فیلمنامه شد و سپس صحنه‌ها با وسواس جلوی دوربین جان گرفتند.

در مقام کارگردان و تهیه‌کننده، مهم‌ترین چالش شما در این مستند چه بود؟

کار سراسر چالش بود، اما بزرگ‌ترین مسئله بازسازی صحنه‌ها بود؛ صحنه‌هایی که به وقایع ۴۰ سال پیش برمی‌گشت و اثری از آن‌ها باقی نمانده بود. مثلاً اردوگاه موصل دیگر وجود ندارد و فقط چند عکس داشتیم، همین موضوع انتخاب لوکیشن را دشوار کرد.

چطور به لوکیشن نهایی رسیدید؟

ما نزدیک به ۳۴ مکان مختلف بررسی کردیم، از اردوگاه‌های ترک اعتیاد تا فضاهای نظامی متروکه. هیچ‌کدام مناسب نبود تا این که با آقای باقر عباسی و تیم تولید به پادگان ۶ رسیدیم. آنجا متروک بود، اما با کمک ارتش و مشورت آزادگان تصمیم گرفتیم بازسازی کنیم. ارتش امکانات داد و پادگان را در اختیار ما گذاشت؛ بدون این همراهی، بودجه ما کافی نبود.

چه بخش‌هایی از اردوگاه را بازسازی کردید؟

در پادگان ۶، ۱۴ لوکیشن متفاوت ساختیم؛ از آسایشگاه، حیاط و سلول انفرادی گرفته تا حمام، درمانگاه، استخبارات، اتاق فرمانده عراقی و مقر منافقین. برخی بخش‌ها را کامل ساختیم و برخی فقط اصلاح و رنگ‌آمیزی شد. صحنه حمام یکی از شاخص‌ترین بخش‌ها بود و در فضای مجازی هم دیده شد.

محدودیت بودجه چه تأثیری داشت؟

از ابتدا قرار بود پروژه‌ای ساده باشد، اما با مشورت دوستان آزاده، ابعاد کار گسترده شد و بودجه افزایش پیدا نکرد. با این حال، همه عوامل با حداقل دستمزد و دلسوزی کار کردند. بدون همراهی آن‌ها و کمک ارتش، پروژه پیش نمی‌رفت.

درباره بازیگران هم توضیح دهید. چرا از چهره‌های شناخته‌شده استفاده نکردید؟

تصمیم گرفتیم از بازیگران چهره استفاده نکنیم تا کار باورپذیر باشد. هنرورانی که معمولاً در حاشیه بودند، این بار نقش و دیالوگ گرفتند و توانایی‌هایشان را نشان دادند. حتی آزادگانی که فیلم را دیدند، تأکید کردند فضا به واقعیت نزدیک‌تر است.

در انتخاب و آماده‌سازی بازیگران چه مشکلاتی داشتید؟

بزرگ‌ترین مشکل سن و ظاهر بازیگران بود. بسیاری از آزادگان آن دوران نوجوان یا جوان بودند؛ ما مجبور شدیم از رده ۱۸ تا ۲۲ سال استفاده کنیم اما اغلب محصل بودند. یکی دیگر از مسائل تراشیدن موها



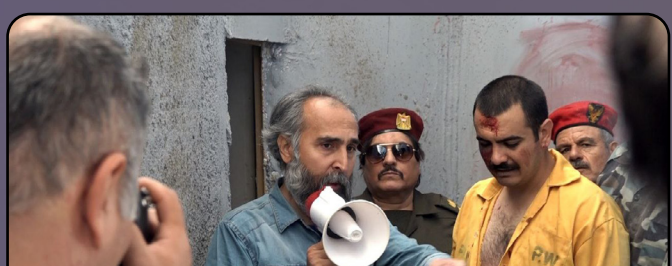
گفت‌وگوی صبا با عوامل سریال «آسمان خاکی»

وقتی اسارت به هنر جان می‌دهد

زهرا طاهریان

گفت‌وگو

«آسمان خاکی» مجموعه‌ای ۱۵ قسمتی با ساختاری مستند-نمایشی است که در هر قسمت، داستانی مستقل و برگرفته از خاطرات واقعی آزادگان ایرانی را بازگو می‌کند. این مجموعه با تلفیق روایت مستند و بازسازی صحنه‌ها، زندگی اسرا در دوران اسارت را با جزئیاتی دقیق از آموزش، بهداشت، هنر، ورزش، خلاقیت، تئاتر، سرود، فرماندهی و فعالیت‌های فرهنگی به تصویر می‌کشد. «آسمان خاکی» محصولی مشترک از گروه مستند شبکه افق و بنیاد شهید و امور ایثارگران، به تهیه‌کنندگی و کارگردانی مجتبی قاسمی و نویسندگی زینب کاظم‌پور، همراه با مشاوره محتوایی محمدباقر عباسی، از شبکه افق بخش و مخاطبان را با گوشه‌هایی از مقاومت و خلاقیت اسرا آشنا می‌کند.



عکس: الهه شهریار